

## بدنهای چاکرای:

ما دارای ۸ بدن صیاشیم. این لایه‌های بدن انرژی‌هایی ما با چاکراهای ما در ارتباط هستند.

۱- بدن اتری = این لایه همچون محافظ بدن است، بصورت شبکه‌ای توری مانند است و در حدود ۶۶ تا ۵/۰۸ سانتیمتر دور فیزیک بدن را احاطه کرده است، با چاکرای ریشه و کندالین در ارتباط است و ارتعاش آن ۱۵ تا ۲۰ ضربان در دقیقه است. نزدیکترین لایه به جسم فیزیکی میباشد هر تغییر در جسم فیزیکی در ابتدا در این لایه بوجود می‌آید. مثلاً میتوان با انرژی دادن به چاکرای ریشه در اندازه‌های جسم باعث تغییرات شد. در هنگام قطع عضو شکل عضو در بدن اتری وجود دارد بنابراین بسیاری از اوقات حسن عضو وجود دارد. در هنگام مصرف داروی بیهوشی حتماً بدن اتری قطع میشود. دامنه رنگی از سفید و آبی و خاکستری دارد که گستره‌ای از سلامت و بیماری را پوشش می‌کند. در میدان اطراف هر شیئی‌ای دیده میشود. این لایه آسانترین لایه برای دیدن است. یک پشت زینت سفید یا سیاه اغلب میدان اتری را نمایان میسازد، عملکرد غیر ارادی و لذت‌بخش احساس درد و عملکرد فیزیکی بدن وابسته به این لایه است.

۲- بدن احساسی = این لایه بعد از میدان اتری قرار دارد و حدود ۲/۵ تا ۱۲ سانتیمتر اطراف بدن را احاطه کرده است. این بدن با چاکراهی‌ها را در ارتباط است و بصورت ابرهای لطیف چند رنگه بوده و سلامتی و زیبایی و احساسات و عواطف ما را در بر میگیرد. در این لایه حبابهای شفاف رنگینی وجود دارد که با تغییرات احساسات و درمان و آزادی عواطف به بیرون پرتاب میشوند. معمولاً رنگ چاکراهی‌ها بر روی این لایه به خوبی نمایان است. در این لایه میتوان نقاط تاریک و نواحی ابری و ناحیه بدون حرکت و انسدادهای احساسی و درد را مشاهده کرد.

۳- بدن ذهنی = بعد از بدن احساسی بصورت شبکه‌ای توری با رنگهای زرد روشن و سبز آبی در هنگام سلامتی ذهن نمایان است. هر چه در افکار و خیالات بیشتر باشد رنگی این لایه کدر و تیره‌تر میشود. در حدود ۷/۵ تا ۲۰ سانتیمتر دور بدن را احاطه دارد و با چاکراهی شبکه خورشیدی در ارتباط است و مشخص کننده افکار و نگرشهای فردی و روشنفکری و خطوط فکری و عادات است و اراد و قدرت شخصی را در بر میگیرد. افکار و عادات بصورت حبابها و اشکال منظمی همچون مکعب و هرم در این لایه نمایان هستند. هر چه در افکار لطیفتر و کم تعصبتر باشند حباب مانند هستند و هر چه در قدمت و تعصب افکار بیشتر باشد شکلهای هندسی سخت و منظم نمایان میشوند. سه بدن اتری و احساسی و ذهنی در هنگام لقاح شروع به تشکیل شدن میکنند و بعد از آن آفرین میشوند.

۴- بدن اختری = بعد از بدن ذهنی بوده و با چاکراهی قلب ارتباط دارد و در هنگام سلامتی رنگهای پاستیلی مثل طیف صورتی و سبز تمام این لایه را در بر میگیرد. این لایه محل عبور انرژیها از جهاتی به جهان دیگر است و کارشن تبدیل انرژی زمین به انرژی کیهانی و انرژی کیهانی به انرژی زمین است. این بدن از حدود ۱۴ تا ۳۰ سانتیمتر در اطراف بدن گسترده شده است و طولانی شخص را برای همه عشقهای مشروط و نامشروط را نمایان میسازد.

۵- بدن کتریک اتری = این لایه بیرون از میدان اختری قرار دارد و طرح اولیه و گاتیو و نوعی اشعه ایکس از بدن فیزیکی و بدن اتری است. بیماری یا انسدادها میتوانند در این میدان ظاهر شوند و

درمان یا بند، این لایه در واقع کیک کننده اصلی بدن فیزیکی و اختری است و حدود ۳ تا ۶ سانتیمتر در اطراف بدن گسترده شده و با چاکرای کلو مرتبط است. این لایه بصورت یک توبه نورانی و شبکه ای در رنگهای سفید و آبی و خاکستری دیده میشود و خوشبختی و سعادت و برکت و بالاترین جنبه های اراده را در بر میگیرد و مرتبطترین لایه با اراده و خواست الهی گفتار و ارتباطات و گوش دادن و مستولی بودن برای فعالیتهای شخصی است. این لایه در بیشتر افراد باز است و همین دلیل ظهور قدرت کلیات است. در درمان کامل آسیبهای لایه اثری روی این لایه هم باید کار شود. اثرگذاری این لایه با صوت همراه است که از طریق ذکر و سمانترا و صوت و موسیقی صورت میگیرد. این لایه با نام لایه جهانی نیز معروفست.

۶- بدن علوی یا الهی = این لایه با چاکرای چشم سوم مرتبط است و حدود ۶ تا ۹ سانتیمتر در اطراف بدن قرار دارد و از رنگهای مادری و انزیه است و مربوط به عشق الهی و ارتباطات روحانی است و با پرورش آگاهی در این لایه شخص احساس عشق در زندگی و به وحدت رسیدن با خداوند میکند. با این لایه انسان خلصه و حقا روحانی را تجربه میکند. این لایه نگاتیو بدن احساسی است. انسان در حالت قبل از خود آگاهی (سامادهی) وارد این دنیا میشود. جنسیت این دنیا خلصه مطلق است با نوری ضعیف و متغیر و با نام لایه شهودی یا بصیرت نیز شناخته میشود.

۷- بدن علی = این بدن با چاکرای تاجی مرتبط است و بنوعی نگاتیوهای فتوگرافی از جنبه های ذهنی و روحانی افراد است و معمولاً تخم مرغی شکل می شود. از امواج نورانی طلایی رنگ است که با قشر یا دیواره ای نقره ای یا طلایی رنگ محافظت میشود. این لایه از ۹ تا ۱۳ سانتیمتر در اطراف بدن گسترده شده است. این لایه نگاتیو لایه سوم یعنی بدن ذهنی است و در حالت خود آگاهی وارد این سطح از آگاهی میشود. کارهاها به شکل نوارهای طلایی رنگ نورانی در این لایه ذخیره میشود. مکان ذخیره شدن کارها ناحیه ای است بنام آکاشیت (آکاشا) که از فایلهایی تشکیل شده است که اجمالی گذشته حال و آینده ما در آن ذخیره میشود. در یوگا آکاشا صفحه ای سیاه رنگ به نام چیت آکاشی است که در پشت چشم قرار دارد و رسیدن به این لایه از آگاهی میتواند در پاید کردن کارها موثر باشد.

۸- بدن کیهانی = این بدن بنام لایه و رای نیز معروفست. این بدن به سه لایه تقسیم میشود که به سناچاکرای ما و رای مرتبط است. لایه اول کیهانی در ارتباط با چاکرای یک ما و رای و دارای طبیعتی بلورین و کریستالی به رنگ اناری است و دارای ارتعاشات سریع و بسیار ظریف است و مثل کریستالی تراش خورده و منظم است و مکررتر و ارتباطات الهی و اطلاعات روحانی و یکی شدن با جنبه های وجود روحانی و فیزیکی را در بر میگیرد. از طریق شبکه کریستالی میتوان با لایه های کیهانی ارتباط برقرار کرد. لایه دوم کیهانی در ارتباط با چاکرای دوم ما و رای و دارای طبیعتی بلورین و کریستالی به رنگ سفید است و با ارتعاش کمتر و شبیه کریستالی تراش خورده است. لایه سوم کیهانی در ارتباط با چاکرای سوم ما و رای و دارای طبیعتی بلورین و کریستالی به رنگ سیاه مخملی است و دارای ارتعاشات بسیار بالا و شبیه به کریستالی تراش خورده و منظم است. اگر بدن کیهانی را سه لایه مجزا حساب کنیم در واقع ۱۰ بدن خارجی داریم. اما در درون بدن نیز دو لایه منفی هم وجود دارد که بر اساس پیدایش سه لایه خارجی اثری و ترکیب و علی شکل گرفته است. این سه لایه خارجی پیشی فرض و قائل جسم فیزیکی و کارها هستند. اگر اطلاعات ذخیره شده در این دو لایه آزاد شوند و با جسم برسند احتمالاً در این دو لایه منفی داخلی قسمتهای از بین رفتار پیر شده جسم ترمیم و کارها پاک میشوند. شرح دو لایه منفی: لایه منفی اول = دو مکرر حیاتی و مکرر را با خود دارد و ما را متولد کرده و بسوی مکرر میبرد و با درمان آن میتوان جایز بود. لایه منفی دوم = این لایه فرد و جم لایه هم خارجی یعنی کاریکه (بدن علی) است. یعنی تولد و مکرر با سرزنشتهای مختلف همراه است. ما نترهای این بدن = اوم - مانا - دادار میباشند.

روح ما در مسیر تکاملی اش مجبور است از سه وسیله نقلیه یا بدن استفاده کند. ما از هر یک از این سه بدن در یکی از سه سطح آگاهی خود استفاده میکنیم. ما من روح ما که این بدنها به دور آن تنیده میشوند در بخش فوقانی جهان ذهنی قرار دارد که به سطح علی معروف است. این سه بدن مثل سه لباس روی هم میباشند که لطیفترین این لباسها همان بدن ذهنی است که روح آنرا از مواد سازنده جهان ذهنی ساخته و به دور خود میپیچد. این بدن را میتوان به زیر پوشش تشبیه کرد. روح لباسی کمی خشنتر را که از مواد جهان ستاره ای ساخته شده به دور خود میپیچد. این بدن بصورت لایه ای پیرامون بدن ذهنی قرار گرفته است. این بدن را میتوان به کت و شلوار مرد تشبیه نمود. در این زمان روح به یک بدن خشنتر و غلیظتر جهت فعالیت و کسب تجربه در جهان فیزیکی نیازمند است که برای بدست آوردن آن باید پوششی از مواد فیزیکی باروش و ابزارهای متداول در همان سطح فیزیکی برای او ساخته شود. بعلت غلظت بدن فیزیکی دو بدن علی قابل رؤیت نیستند. بدن فیزیکی دارای بخش لطیفتری بنام دوبل اتریک است که نقش صحنی در طول زندگی ما دارد و نقش اساسی در رابطه با حرکت بدن فیزیکی ما ایفا میکند. دوبل اتریک را از جهت نمیتوان بعنوان یک بدن تلقی کرد. یک ایگله ما نمیتوانیم در داخل این بدن زندگی کنیم و دیگر ایگله ما نمیتوانیم این بدن را مشاهده کنیم مگر ایگله با پائینترین سطح روشن بینی که به دید اتریک معروف است رسیده باشیم. مواد متشکله این بدن اتریک، اعصاب ما را هم احاطه دارد. جریانهای عصبی عملاً داخل رشتنهای سفید اعصاب بدن فیزیکی ما قرار ندارند بلکه داخل نوعی پوشش اتریک که آن اعصاب را پوشش داده است جریان دارند. بطوری که اگر این پوشش را از اعصاب جدا کنیم هیچگونه حسی را دریافت نخواهیم کرد. این همان حالتی است که در زمان مصرف یک داروی بی حسی برای ما اتفاق میافتد. اگر این بدن اتریک تماماً از بدن جدا شود شخص میمیرد. کار اساسی دیگر این بدن اینست که در خلال خواب بعنوان یک رابط بین بدنهای فیزیکی و ستاره ای فرد بصورت یک حلقه اتصال عمل میکند. زمانیکه رویا میبینیم یک رشته اتریک که به بدن ستاره ای وصل است قسمت عمده آن نیز در اطراف بدن فیزیکی ما قرار دارد و مرجع میشود و رابطه بدن ستاره ای و بدن فیزیکی ما را حفظ میکند و هر قدر که از بدن فیزیکی دور شویم این رابطه برقرار است. وقتی که زمان بیداری فرا میرسد یک پیام هشدار دهنده سریع در مسیر این رشته اتریک برای ما فرستاده میشود و ما را مجدداً به داخل قالب فیزیکی برمیگرداند.

بدن ستاره ای از ماده ای بسیار رقیق تر از ماده تشکیل دهنده بدن فیزیکی ساخته شده است. این ماده رقیق در واقع همان چیزی را که بدن علی موسوم است پر کرده و تشکیل یک توده ابرتخم مرغی شکل درخشان را میدهد. ولی بدن فیزیکی با توجه به بافت غلیظتر خود دارای جزو بیشتری برای مواد ستاره ای است و آنرا به طرف خود میکشد که در نتیجه آن کشتی نوزاد مشابهی با بدن فیزیکی در مرکز آن توده تخم مرغی شکل بوجود میاید که دارای تمام مشخصات بدن فیزیکی بوده ولی از جنس لطیفتر ستاره ای ساخته شده است. زمانیکه بدن فیزیکی صیقل بدین ستاره ای به همان شکل و صورت بدن فیزیکی باقی میماند و رشد بیشتری نمیکند زیرا از مواد ابری شکل درست شده است نه از گوشت و استخوان. همگامی در دنیا در طول خواب فرصت زندگی در شرایط جهان ستاره ای را داریم بشرطی که از بینش و آگاهی کافی برای استفاده از استعدادهایمان داشته باشیم. جهان ستاره ای جهان احساسات و عواطف و تصورات است و از موادی تشکیل شده که از تپشهای گوناگونی میباشند. لطیفتر است. بدن ستاره ای وسیله تقلید و حامل احساسات و عواطف است. احساسات و عواطف به وسیله ارتعاشات مادی ستاره ای ایجاد میشوند و آنچه که بعنوان احساسات و عشق و حق شناسی و عدم خودخواهی و اشتباه را میشناسیم. در نظر روشن بینان به صورت ارتعاشی مادی لطیفتری دیده میشود. نوع منتهی احساسات مثل طمع و حرص و رشک و حسد و غرور و عشق خودخواهانه نیز به صورت ارتعاشات غلیظتر و خشنتری از ماده ستاره ای مشاهده میگردد. هر فضیلتی که در ما وجود دارد بعد از مرگ بدن فیزیکی بدون تغییری ماند و به علت طبیعت سیالی بدن ستاره ای تشدید شده و به صورت نیروهای شدیدی از خواب یا شیطانی درمی آیند. در جهان ستاره ای که یک جهان تصور و خیال است هیچگونه صرف وقت و انجام کاری مورد نیاز نیست و همه چیز توسط فکر تولید میشود. در اینجا انسان هرگز خسته نمیشود. برای کسیکه در زندگی فیزیکی فقط به کار و پول فکر کرده آغاز زندگی در جهان ستاره ای تقریباً کند و خسته کننده خواهد بود. چون پول یک عامل فیزیکی است و در جهان ستاره ای کاربردش ندارد. ما میتوانیم هر کاری را که در جهان فیزیکی قادر به انجام آن نبوده ایم را انجام بدهیم. ما ملعم هر چه را که در جهان فیزیکی چشیده ایم را میتوانیم در جهان ستاره ای درک کنیم. این احساسی که مردم قبل از وقوع حادثه یا واقعه ای آنرا احساس میکنند بخاطر اینست که در زمان خواب و حضور در جهان ستاره ای در مورد این وقایع چیزهایی با آنها گفتگو شده و صبح روز بعد خاطره صبحی از این دانستهها با آگاهی بیداریشان وارد میشود. جهان ستاره ای به بخشهایی بنام سپهر یا سطح یا طبقه تقسیم میشود. بدون توجه و شناخت این سپهرها فهم و ادراک مکانیسم جهان ستاره ای غیرممکنست. در جهان ستاره ای هفت سپهر آگاهی وجود دارد که هر کدام از سپهر یا تینر خود رقیقتر است. متراکم ترین سپهر جهان ستاره ای دارای شرایطی مشابه شرایط جهان فیزیکی است. این سپهر ستاره ای الهی یا رو نوشت و قرینه تمامی پدیده های موجود در جهان فیزیکی وجود دارد. حتی به ازای هر شهر و ساختمانی که هیتا یا انعکاسی از آن که از مواد ستاره ای ساخته شده در آن سپهر نیز موجود است که وقتی ما با بدن ستاره ای خود محل کنیم میتوانیم آنرا به وضوح بینیم. سپهر دوم ستاره ای حدود یک مایل بالاتر از سپهر اول قرار دارد و هنوز دارای مقداری خواص مادی بوده و عملکردش شبیه جهان فیزیکی است. سپهر



سوقم نیز یک مایل بالاتر از سپهر دوقم قرار دارد. به همین ترتیب تا هفت سپهر با فاصله یک مایل از یکدیگر بالای یکدیگر قرار دارند. ماده ساخته شده هر سپهری با مواد سازنده سپهرهای دیگر متفاوت است. ولی بدن ستاره ای ما از مواد مشابهی هفت طبقه جهان ستاره ای تشکیل شده و تنها کاری که باید کنیم اینست که اتمهای مربوط به آن طبقه خاص مورد نظر را در بدن خود فعال کنیم تا بتوانیم بطور کامل در آن سپهر به فعالیت بپردازیم. موجودات فعال هر طبقه ای نمیتوانند با موجودات طبقات دیگر ارتباط داشته باشند مگر اینکه محدوداً با یک اقدام ارادی خود آگاه آن بخش از اتمهای بدنش را که مربوط به سپهر مورد نظر است را فعال کنند. در سپهر اول سه بعد از مرگ جسم فیزیکی مستقیم وارد آن میشوند. تمامی آنچه را که در پیرامون خود میبینیم همان چیزهایی هستند که در زمان زندگی خود در جهان فیزیکی میدیدیم. در سپهر دوقم مثل این است که در جهان فیزیکی به روستاهای اطراف محل زندگی سر میزدیم و وارد میثوییم و انسانهای شاد و خرمی را میبینیم. در سپهر سوم افرادی خلاق و هنرمند مثل موسیقیدانان و هنرمندان را میبینیم و در سپهر چهارم میتوانیم در مورد مسایل معنوی جهان با انسانهایی که عاقلتر و خردمندتر بحث و گفتگو کنیم. در سپهرهای پنجم و ششم پژوهشگران و روانکاوان و متخصصین قلبی و مغزی و سایر تخصصها میباشند. آنها در آنجا میتوانند به مخزن دانشی که منبع بشریت ذخیره شده دست یابند. در آنجا مرفا و فلسفه بزرگی وجود دارند. در سپهر هفتم هیچگونه ساختاری وجود ندارد. ولی کسانی آنجا بطور دائم ساکن هستند و تمام تلاشی خود را بکار میبرند تا از تماس با دیگران خودداری کنند. زیرا معتقدند تنها از طریق انزوا و در سکوت کامل بسر بردن میتوانند به تکامل واقعی دست یابند. در این سپهر شاهد تعداد بیشمار از اعضای بسیار پیشرفته مسیر تکاملی اساتید خواهیم بود که با فعالیتهای خاص خود اشتغال دارند آنها تعداد زیادی از غیرارگانیکها نیز هستند. بعد از این سپهر هفتم وارد جهان ذهنی خواهیم شد و بعد از سپهرهای ذهنی وارد سپهرهای بالای آن جهان سه به سطح علی معروف است وارد میشوند. و سپس به بخش فوقانی وجود خودمان که در آنجا سکونت داریم مراجعه میکنیم. سفر از جهان ستاره ای به جهان ذهنی به مفهوم مرگ دوقم است و کاملاً راحت و بدون زحمت است و به معنای دور انداختن بدن ستاره ای است. زیرا دیگر تجربه جدیدی برای آموزش ما در جهان ستاره ای باقی نمانده است. پس باید به جهان ذهنی نقل مکان کنیم تا در آنجا فعالیتهای ذهنی خود در جهان فیزیکی را یکجا منسجم کرده و آنرا به مخزن دانشی که درون اتم ما پدیدار ذهنان قرار دارد بیافزاییم. البته این مخزن حاوی تجربیات تمام زندگیهای گذشته ما نیز هست. بدن ستاره ای ما نه تنها حاوی یک قرینه مغز انسانی است بلکه دارای یک وسیله نقلیه ذهنی در درون خود نیز هست که معمولاً به آن ذهن میگویند. اگر ما در جهان ستاره ای کسی را داشته باشیم که به او علاقه مند بوده و عاشقتش باشیم به این معنی است که ما یک نقطه تماسی در این جهان ستاره ای داریم و به محض اینکه در زمان خواب از بدن خارج میشویم میتوانیم بر روی آن نقطه تمرکز کنیم. این فکر کردن ما به او باعث میشود که افکار او فوراً متوجه ما بشود. زیرا فکر کردن عامل بسیار قدرتمندی است و سطوح مختلف ماده نمیتوانند مانعی در مقابل فکر متمرکز شده ایجاد کنند. بنا بر این اوست که ما در رابطه ما برای گذر از هر چند سپهری که تا او فاصله است باشد. ما در مسیر تولد دوباره بارها این تجربه را طی کرده ایم.

ولی هیچ یادمانی از آن سفرها را با خاطر نداریم، زیرا هر یک از ما در هر توالی جدید فیزیکی دارای کالبدهای  
ذهنی و ستاره‌های فیزیکی جدیدی هستیم که فاعداً فقط مشروح از زندگی قبلی ما است. ما در جهان  
ذهنی زندگی جدیدی را شروع میکنیم که شروع این زندگی برای یک انسان متوسط معمولاً خیلی کوتاهتر از  
مدت زمان او در جهان ستاره‌ای است ولی در مورد انسان‌های پیشرفته این دوره طولانیتر می‌باشد. بدن  
ستاره‌ای با دور انداخته شده بزودی تجزیه شده و با توده اصلی مواد تشکیل دهنده ستاره‌ای برمیگردد  
ولی در خلال دوره تجزیه شباهت خود را با کسی که قبلاً ساکن آن بدن بوده حفظ میکند. با وجودی  
که این بدن فقط یکه غلاف و کالبد روح است ولی به علت طبیعت خمیری شکل ماده ستاره‌ای خود قادر  
به حرکت می‌باشد بطوری که فرد پس تجربه‌ای اگر آنرا ببیند تصور میکند که با یک موجود زنده روبرو است.  
سالم ستاره‌ای تا وقتی که کاملاً تجزیه نشده خود را بعنوان یک انسان تصور میکند و دارای مقداری حیات  
هست. در جلسات احضار ارواح شاهد جلوه‌هایی از این دست هستیم که در آنها اعضای حاضر در  
جلسه بجای اینکه با سوخته مورد نظر خود ارتباط برقرار کنند تنها با کالبد او مرتبط میشوند. چنین  
وضعیتی معمولاً وقتی پیش می‌آید که از مرگ فیزیکی فرد مورد نظر مدتی زمان زیادی گذشته باشد.  
وقتی دیدیم روح مرتبط شده نسبت به وضعیت زمانی که زنده بوده پسرقت کرده است با بر مطنین  
باشیم که با روح فرد اصلی تپا می‌نگریم بلکه با کالبد و غلافی که او با دور انداخته طرف شده ایم.  
اگرچه این کالبد بنحوی غیرزنده است ولی سایر موجودات میتواند آنرا بصورت کالبد موقت اشغال  
کرده و نقش فرد اصلی را بازی کنند. این کار معمولاً توسط بعضی موجودات انسانی ستاره‌ای که دوست  
دارند با دیگران شوخی کنند صورت میگیرد. به احتمال خیلی زیاد زود هویت خود را فاش میکنند.  
زیرا هر اطلاعاتی که در دوران زندگی وارد مغز صاحب اصلی آن کالبد شده باشد به ذهن قرینه‌ای ستاره‌ای  
اوهام وارد شده و میتواند مورد استفادۀ کسی که آنرا اشغال کرده قرار بگیرد. برای روشن بیان  
دیدن چهره واقعی پشت آن نقاب آسان است. در این مورد باید دقت زیادی کنیم زیرا با وجودی  
که صاحب اصلی از آن کالبد خارج شده است ولی کالبد مذکور میتواند در حالت واسطه روحی (مدیوم)  
به فعالیت بپردازد. اما هیچ خطری ندارد. بدن ذهنی اولین بدن است که خود (روح - نفس) پس  
از نزول از جهان علی به دور خود می‌چرخد. این بدن از ماده‌ای لطیفتر از ماده ستاره‌ای ساخته  
شده و در واقع شکل و پیکره فکری فرد است. زمانیکه ما با پایان زندگی خود در جهان ستاره‌ای  
نزدیک میشویم به سپهر هفتم آن جهان میرویم و وقتی زمان انتقال ما از آنجا نیز فرا میرسد  
احساس خواب آلودگی میکنیم. بطوریکه آگاهی خود را از دست می‌دهیم و تقریباً بلافاصله در جهان  
ذهنی بیدار میشویم. اولین حالتی که ما پس از مرگ فیزیکی و ورود به جهان ستاره‌ای و نیز آگاهی  
یا فتنه به وضعیت جدید خود احساس میکنیم تندرسی کامل است. زمانی که ما از جهان ستاره‌ای  
صعود میکنیم و از حضور خود در جهان ذهنی آگاه میشویم اولین احساسی که پیدا میکنیم سرور  
و خوشی عمیق و صلح خواهی و آرامش گسترده نسبت به بشریت است. در آغاز کار حتی ممکنست ما  
متوجه نشویم که با جهان ذهنی آمده ایم زیرا چنان احساس خوشحالی و رضایت داریم که فقط  
میل داریم در همان وضعیت بمانیم و کسی کاری به کارمان نداشته باشد. جهان ذهنی همان دنیای  
فکر است. فکرها تنها حقایق موجود در آن جهان هستند و بعضی ابعادیکه فکر در ذهن جسم

متناظر با آن از مواد لطیف جهان ذهنی ساخته میشود، همانطور که در جهان فیزیکی نمیتوانیم جهان ذهنی را فریفت کنیم در جهان ذهنی هم نمیتوانیم جهان فیزیکی را ببینیم. انسان ساکن در جهان ذهنی را میتوان به یک گیرنده و فرستنده بیسیم تشبیه کرد و تعداد طول موجهایی که او میتواند مورد استفاده قرار دهد با تعداد موضوعهایی که آموخته است بستگی دارد، زندگی در سطح ذهنی برای افراد خردمند و عاقل خیلی جزا برتر از بقیه مردم است. یک انسان در جهان ذهنی برای مدت قابل توجهی به توسعه و گسترش ذهنی خود میپردازد. جهان ذهنی نیز دارای هفت سپهر آگاهی است که قرینه سپهرهای جهان ستاره ای هستند با این تفاوت که در آنجا هیچگونه مشکلی جهت حرکت از یک سپهر به سپهر دیگر چه به سمت بالا و چه پائین وجود ندارد. از سپهر اول تا چهارم برای یک انسان معمولی مناسبترین و شایدترین مکان برای اقامت هستند. افراد برجسته از نظر عقلی به ماورای سپهر چهارم میروند. بعد از مدتی که کاملاً این جهان نیز تجربه شد مرکز سوم اتفاق میافتد و ما وارد جهان علی میشویم. مرکز سوم شباهت زیادی به گذر کردن از جهان ستاره ای سهوی جهان ذهنی دارد. علت نامیدن آن به جهان علی اینست که این بدن فقط در سطح علی یعنی سپهرهای ششم و هفتم جهان ذهنی فعالیت کرده و وارد عمل میشود سطح علی خانه طبیعی خود (نفس - روح) است و خود در خلال دوره هایی که به زایش مجدد معروف است در آنجا باقی میماند و قسمتی از خود را به سپهرهای پائینتر آگاهی متجلی مینماید تا تجربیات لازم را بدست آورده و خود را از زایش دوباره و مکرر در بدنهای مختلف فیزیکی آزاد و رها سازد. بدن علی در هر دوره ای از زندگی ما تجربیات بدست آمده ما در آخرین تولد ما را به خود اضافه کرده و هر بار از این طریق دوباره متحول میشود. به همین جهت به آن مخزن دانش نیز میگویند. یک انسان تکامل یافته میتواند با خواست ارادی خود این مخزن را سوراخ کرده و تجربیات بدست آمده در زندگیهای قبلیش را به سطح فیزیکی رساند و آنها را مورد استفاده قرار دهد و این ترتیب مجبور نباشد هر بار که مغز فیزیکی جدیدی بدست میآورد اطلاعات مشخص را مجدداً یاد بگیرد. زیرا مغز به خودی خود هیچگونه خاطره ای از تجربیات گذشته انسان در زندگیهای گذشته ندارد. در سطح علی گذشته و حال و آینده یکی هستند. در سطح علی، خود (نفس - روح) گزارش کامل زندگی گذشته اش را بصورت مجموعه تصاویری که توسط یک پرورگتور یعنی فیلم بر روی دیوار افتاده به چشم خود میبیند. این تصاویر نقاط ضعف و قوت او را در زندگی گذشته اش بطور دقیق به او نشان میدهند. همچنین نشان میدهند که زندگی آینده اش حاوی چه وقایعی است و چه کاری قرار است برای او انجام دهد و چه تغییراتی در شخصیت او با بر انجام شود تا بتواند به پیشرفت بیشتر دست یابد. مسیر تکاملی انسان به سه دوره هفت ساله تقسیم شده اند که هر یک از این دوره ها با ظهور یکی از نیروها یا استعداد های ما مشخص میشود. این مراحل تکاملی را بطول ای تردید با فعالیت های غدد درون ریز بدن فیزیکی ما دارند. هر یک از سه دوره رشد هفت ساله انسانی دارای مشخصات است. از یک تا هفت سالگی تولد یا تکمیل شدن بدن اتری و بیرون آمدن دندانهای اصلی است. از هفت تا چهارده سالگی تکمیل بدن ستاره ای یا احساسی فرد و بلوغ او است و از چهارده تا بیست و یک سالگی رشد کامل و رسیدن به کمال فعالیت بدن ذهنی است. در یک کودک تازه متولد شده فقط قابلیت های منفی این بدن فعال هستند و تا زمانی که ظرفیتهای مثبت آن بدن شکوفا نشوند او قادر به استفاده کاملی از آنها نخواهد بود. در طول دوره هفت ساله اول زندگی

نیروهای مربوط به قطب منفی اثر فعال هستند. بنابراین کودکان در این سن دارای نوبی روشنی بین منفی در حد واسطه‌های روحی (سدیوم) میباشند. به همین جهت است که معمولاً دارای همبازیهای خیالی میباشند سه یا چهار سالگی بزرگسالان نمی‌آیند. در دوره هفت ساله دوم زندگی نیز نیروهای فعال در بدن ستاره‌ای (احساس) به همان ترتیب عمل میکنند، با این فرق که فقط موجب فعال شدن جنبه‌های انفعالی احساسی فرد میشوند و در واقع تا زمانیکه استعداد های مثبت آنها رشد کنند فقط نوعی ظرفیت و قابلیت منفی را برای احساسات شخصی فراهم میکنند. گویی که در این زمان عواطف را احساسات فرد به آزادی ابراز میشوند ولی دارای حالتی زودگذر بوده و آنچنان پایدار نمی‌باشند. در دوره هفت ساله سوم زندگی نیز طبیعت نفسانی (ایمانی) انسانی متلاطم و غیر قابل کنترل است و میتوان مشکلترین سالها برای والدین دانست. زیرا با یادگیری که حد اکثر درک و آسان‌گیری را در مورد فرزندانشان داشته باشند. کودکان بطور فوق العاده ای نسبت به نیروهای فعال در قطب منفی ذهنشان حساس هستند و به همین دلیل فوق العاده مقلد و قابل شکل پذیری میباشند.



## سطوح هفتگانه بدنهای هفتگانه:

### ۱- بدن جسمانی:

#### سطح جسمانی

چهارمحل = پاشنه‌های پا و مچ دستها

سازکرد = در سینه انرژی برای ابراز وجود و آزادسازی تنش جسمانی، نقاط نیرو:

باز بودن بیش از حد = کمبود و نیاز شدید

مسدود بودن = تمایل به راه رفتن بیشتر بر روی انگشتان پا و عدم ابراز وجود یا عدم تمایل به جلب توجه دیگران و احساس راه رفتن روی پوست تنم مرغ و دستها همگنست سرد و گرفته بنظر برسند، دشواری در دراز کردن دستها، تکان دادن آنها یا لمس کردن دیگران.

#### سطح عاطفی

محل = کبد سازکرد = آرامش در سطح عاطفی

باز بودن بیش از حد = خشم بیش از حد گاهی به طریقی ناسالم بروز میکند.

اگر مسدود بود = کنترل بیش از حد خشم که همگنست به طریقی ناخود آگاه آزاد شود.

#### سطح ذهنی

چهارمحل = بالای شانه‌ها بالاتر از مفصل بازوها و در استخوان لگی در هر دو طرف (استخوانهای نشیمنگاه)

سازکرد = ابراز نگرشهای ذهنی نسبت به جهان فیزیکی:

باز بودن بیش از حد = آگاهی بیش از حد و توجه افراطی به بدن

مسدود بودن = عدم آگاهی از حسنگی و درد و فرسودگی و در تماس نبودن با بدن جسمانی و عدم توانایی در کنار با مشکلات آن.

#### سطح شهودی / شفقت

دومحل = استخوان گونه که کمی پایینتر از آنها و داخل استخوان آرداره.

سازکرد = انرژی را برای درک عمیقتر و مراقبت از بدن تامین میکند.

باز بودن بیش از حد = توجه بیش از حد به بدن

مسدود بودن = نادیده گرفتن نیازهای بدن، بسیار شبیه به سطح قبلی.

#### سطح ارادی / روحی

مکان = بین سینه‌ها بر روی استخوان سینه.

سازکرد = تمایل به زندگی واقعی، قدرت اراده برای فعالیتهای جسمانی و ادامه بقا، را فراهم میکند.

باز بودن بیش از حد = عدم احتیاط زمانی که احتیاط لازم است.

مسدود بودن = ترس از زندگی واقعی یا دل دادن جدی به امور و فعالیتهای گاهی عدم تمایل به زندگی.

## سطح روحی

دو مکان = عنده های فوق کلیوی

کارکرد = کنترل نفس (وجود) آگاهی از نیاز به جنگ یا گریز، اقدام در سطح من هستیم، بهره گیری از نیروها برای یک بدن سالم.

باز بودن بیش از حد = توجه بیش از حد به جنگ یا گریز یا مسائل شخصی.

مسدود بودن = نیاز به توجه وجود خویش، احساس بریدگی از سطح روحی / خشم فروخورده  
آماذگی برای بیمار شدن و احساس طرد شدگی.

## سطح الفی

مکان = چاکرای ریشه - استخوان دنبالچه

کارکرد = انرژیهای سطح پائینتر را تطهیر و هماهنگ میکند، حس امنیت از طریق همسانی با انرژی زمینی و انرژی سطح بالاتر.

باز بودن بیش از حد = ریسک پذیری افراطی.

مسدود بودن = نبود امنیت، ناتوانی در کار با انرژیهای سطح پائینتر بنحو مطلوب.

## تطهیر کالبد جسمانی :

با هدایت کندانسینی میتوان انرژی را برای جوان شدن و شفا یافتن و قوی شدن بنواحی مختلف بدن ارسال کرد. اگر با این انرژی کار کنید بطور حسی میدانید که چقدر انرژی به هر ناحیه بفرستید تا بهترین اثر را بدهد. رها کردن جریان انرژی بطور آرام در ناحیه ای که احتیاج به درمان دارد (با لطافت ابریشم مایع) بسیار آرام بخش است. فرکانس انرژی به یک فرکانس رسانا تر برای شفای محوس تغییر می یابد. ناحیه مورد نظر را در این انرژی غرق کنید، سپس انرژی را در سراسر بدن انتشار دهید. چند جلسه در هفته گردش خون را افزایش دهید و به آزاد شدن گرفتگیها کمک میکند. اگر نیاز مند به استفاده بیش از حد معمول از چستان هستید بدن را با قدرت کندانسینی پر کنید و آنرا در سراسر بدن بفرستید، بگذارید به جریان افتد و سپس به کارتان بپردازید. اگر به دردهای جسمانی ناشی از فعال شدن کندانسینی دچار شدید با تنفس عمیق و آرام و سپس ماساژ دادن ناحیه مورد نظر آزاد شدن انرژی را سرعت ببخشید. با افکار و ایده هایتان اجازه دهید تا با ضمیر خود آگاه شما راه یابند. اگر به هر دلیل نمیتوانید ناحیه آسیب دیده را ماساژ دهید توجه خود را به آن ناحیه معطوف کنید. انرژی خود را در آنجا متمرکز کنید و به محل آسیب دیده بفرستید. اغلب درد در مدتی کوتاه برطرف خواهد شد و یک آگاهی از آنچه اتفاق افتاده است در وجودتان باقی میماند.

## ۲- برون عاطفی :

### سطح جسمانی

مکان = شکم سمارکرد = هضم عواطف باز بودن بیش از حد = تاکید بیش از حد بر عواطف  
مسدود بودن = ناتوانی در هضم و جذب عواطف، ناتوانی در برخورد صحیح با عواطف.

### سطح عاطفی

مکان = ناف سمارکرد = پیوند ارتباط انسان با دیگر افراد در سطح احساس، قویترین چاکرای عاطفی.  
باز بودن بیش از حد = بیش از حد عاطفی و عاجز در تفکر درست بخاطر فشار بیش از حد عواطف.  
مسدود بودن = احساسات پالایش نیافته، ممکنست طبعی طوفانی داشته باشد، اگرچه اثرزیرها  
مسدودند ولی شغف باز بیش از حد گرفتار احساسات است.

### سطح ذهنی

مکان = پانچینتر از کمر بالاتر از چاکرای ریشه و پانچینتر از کمر کوچک.  
سمارکرد = استقلال احساسات، شوخ طبعی و پذیرش زندگی.  
باز بودن بیش از حد = بیش از حد گرفتار احساسات بودن.  
مسدود بودن = عدم شوخ طبعی و انعطاف، جدی گرفتن بیش از حد خود و احساسات خویش.  
سطح شهودی / شفقتی

مکان = متعل به قسمت پائینی استخوان سینه.

سمارکرد = تشخیص درست یا نادرست، تأمین اثری آگاهی بخش  
باز بودن بیش از حد = احساس گناه بیش از حد، همیشه سعی دارد وضعیت یا احساسات را شرح یا توجیه کند.  
مسدود بودن = احساس گناه، ممکنست انتظارات دیگران را بدون اینکه آنها را درک کند بپذیرد.

### سطح ارادی / روحی

مکان = پانچینتر از کمر روی ستون مهره ها در قسمت پشت کمر.  
سمارکرد = قدرت عاطفی، به تعادل عواطف کمک میکند، به احساس داشتن ستون مهره کمک میکند.  
باز بودن بیش از حد = تحصیل اراده خود بر دیگران از طریق عاطفی، بیش از حد زورگو.  
مسدود بودن = ضعف اراده، به آسانی احساسش نسبت به دیگران تغییر میکند.

### سطح روحی

دو مکان = دو طرف چاکرای قلب آکنده از عاطفه.  
سمارکرد = به تقویت توانایی عشق ورزیدن و دریافت محبت و آگاهی شما از بودن خود در فرایند ابراز  
محبت کمک میکند.  
باز بودن بیش از حد = ممکنست به عشق ورزیدن به دیگران یا دریافت محبت و عشق از سوی دیگران  
نیاز بیش از حد احساسی شود.  
مسدود بودن = پرات عشق ورزیدن به دیگران یا دریافت عشق از دیگران وجود ندارد، گرفتگی در  
طرف راست به نگرش نسبت به عشق مربوط است و در چپ به احساسات مربوط به عشق ارتباط دارد.

## سطح الهی

مکان = جاکرای قلب آکنده از عاطفه (وسط بخش فوقانی سینه)  
کارکرد = احساس وحدت با تمام سطوح، یکپارچگی عواطف برای تعادل و توازن و عشق و شناخت دیگران.  
باز بودن بیش از حد = توجه بیش از حد به عشق و عزیزان و علاقه به خدمتگذاری به دیگران به حدی که  
شخص ممکنست احساس ضعف و تحلیل رفتگی کند.  
مسدود بودن = سخت دلی و ترس از عشق و عزیزان و بسته بودن.

## تطهیر کالبد عاطفی :

وقتی که کندالینی بدن عاطفی را تطهیر میکند به انسان این احساسی دست میدهد که عواطفش غیر قابل کنترل  
شده اند. زمانی که نیروی عظیم کندالینی به یک گرفتگی بر خورد میکند فرد به تقریب کردن و سایر بروریزی های  
عاطفی پناه میبرد. واکنش انسان معمولی تسلیم شدن در برابر این گرفتگی انرژی است. اما کندالینی  
میخواهد آنرا از میان بردارد و جریان خود ادامه دهد گرفتگی میتواند به احساسات و تجاربی که در  
زندگی گذشته وجود داشته مربوط گردد. همچنین میتواند نیازهای گریک مشکل کنونی باشد. گاهی حتی به  
چیزهایی مربوط میشود که هنوز اتفاق نیافتاده اند بلکه فقط در حال حلوه کردن از وجود ما هستند.  
عواطف و احساسات چیزی جز قرار گرفتن در فرکانسهای خاص انرژی نیستند. با تغییر دادن این  
فرکانسها میتوانیم احساسات و عواطف خود را تغییر بدهیم. بعنوان تهرین انده را در بیشترین عمق  
آن احساس کنید. حال این احساس را به لذت تبدیل کنید و سعی کنید متوجه یک تغییر کیفیت ارتعاشی  
شوید. همین کار را با ترس انجام دهید و آنرا به ایمان و شهامت تبدیل کنید. احساس حسادت کنید. این  
حسادت را به شناخت نیازهای خود تبدیل کنید. غرور را به سپاسگذاری تبدیل کنید. هر کیفیتی را  
سه برایشان دشوار است در نظر بگیرید. حالا به متضاد آن بیا نریزید و با آن به اینصورت عمل کنید. یاد  
بگیرید که چیزی را احساس کنید، بدون اینکه گرفتار آن شوید. موقعیت خود را با متعادل کردن  
انرژیها در بدن حفظ کنید. انرژی را در پشت بدن و نیز در جلو احساس کنید. انرژی ای که در ناحیه  
شکم باقی میماند، عمدتاً گرایش به توجه بیش از حد به احساسات در ما وجود میآورد. ناحیه شکم را با سائز  
دهید و از خود پرسید که چه چیزی آنجا است که باید درک شود. سپس انرژی را به تمام بدن برانید تا آنرا  
جذب یا برطرف کند. بعد از تصفیه و تطهیر میتوان چیزها را احساس کرد، اما گرفتار آنها نشد. زندگی  
را تجربه کرد بدون اینکه کارها و گرفتاریهای بیشتری بوجود آید و عشق و عزیزان بدون اینکه وابسته  
شد. در آن صورت بدن عاطفی به هر کاری که انجام میدهند محقق و غنا خواهد بخشید.



۳- بدن ذهنی

سطح جسمانی

مکان = حلقه پائینی سارکرد = پذیرش آنچه که هست، هماهنگی برای کار با موقعیتها، احساس حدت در ایجاد تغییرات  
باز بودن بیش از حد = همیشه سعی میکند امور از جمله زندگی دیگران را کنترل کند.  
مسدود بودن = ناتوانی در پذیرش و فهم ذهنی، ناتوانی در برخورد با موقعیتها، داشتن غرور یا تعصبات افراطی

سطح عاطفی

مکان = شقیقه ها سارکرد = احساسات نسبت به چیزهای ادراک شده.

باز بودن بیش از حد = تلاشی بیش از حد برای درک همه چیز  
مسدود بودن = ممکنست بنیای را محقق کند یا فقط آنچه براحتی قابل درک است دیده شود.

سطح ذهنی

مکان = چشم سوم سارکرد = جایگاه ضمیر، بصیرت روانی، خود را بعنوان فرد جداگانه تقویت میکند.  
باز بودن بیش از حد = خود خواهی مسدود بودن = نفس ضعیف و بسته بودن نسبت به ایجاد دیگر زندگی.

سطح شهودی / شفقتی

مکان = وسط قولون فوقانی (بالای ناف)

سارکرد = پذیرش بار د افکار، ارتباط عاطفی - ذهنی.  
باز بودن بیش از حد = احساس میکند افکارش خیلی مهم هستند.  
مسدود بودن = ایده های یا تفکرات هضم نشده، میتواند به بیوست منجر شود.

سطح ارادی / روحی

مکان = حلقه غوقانی، دریاچه زبان و زیر چانه

سارکرد = اراده را برای بیان افکار و صحبت کردن فعال میکند.  
باز بودن بیش از حد = بیان افراطی افکار، پرگویی بیش از حد.  
مسدود بودن = عدم اعتماد به تواناییهای ذهنی خود، لکنت زبان داشتن در بیان کلمات، حلقه درد.

سطح روحی

مکان = چشم پنجم (وسط پیشانی)

سارکرد = ذهن بالاتر را برای تفکر خلاق به کار میاندازد، آگاهی از تصویر بزرگتری از زندگی و جایگاه  
انسان در آن فراهم میکند.

باز بودن بیش از حد = توجه بیش از حد به ارزشهای نوع دوستی.

مسدود بودن = خود صحوری و فقدان بصیرت.

سطح الهی

مکان = چشم هفتم (به فاصله یک اینچ بالای خط رویش مو)

سارکرد = آگاهی از خود در سطح روحی، نقطه ارتباطی با خود عالیهتر.

باز بودن بیش از حد = توجه افراطی به نگرشی عالیهتر به خود

مسدود بودن = ناتوانی در ادراک و استفاده از بصیرت روحانی، توجه مطلق فقط به مهر آسمانی زندگی.

## تطهیر کالبد ذهنی :

هنگامیکه کنزالینی بدن ذهنی را تطهیر میکند شخص ممکنست تعصبات نیرومند و ناشناخته‌ای را احساس کند. نگرشهای حاکم بر زندگی‌ها مدتها اعمال و واکنشها را تعیین کرده اند؛ آگاه شود روی تنفس از طریق بینی و با داخل سرترکز کنید. هنگامیکه بالا و با آسمانها نگاه میکنید و ستارگان را در آسمان میبینید، با داخل سر خود نگاه کنید. چه رنگها و چه الگوهای انرژی میتوانند مشاهده کنید. نوع دیگر: نفس عمیق و آرام بکشید، بر روی مرکز پیشانی خود تمرکز کنید. واژه حقیقت را در آن ناحیه تصور کنید، نفس را فرو برید و احساس کنید که حقیقت وارد تمام سیستم وجودتان میشود و تمامی سلولهای وجودتان را غرق میکند. سعی کنید در سیستم اینرا نگهدارید و در همان حال حداقل بدت دو دقیقه نفس عمیق و آرام بکشید. در طول تطهیر کنزالین برای عدم حقیقتها و سو"درکها بسیار آسان است که وارد افکارتان شوند. اگر کار ذهنی برای انجام دادن دارید اما انرژی شما با جریان نبی افتد سعی کنید برقصید. وقتی شما گرفتار موقعیتهای عاطفی و مشکلات ارتباط با دیگران هستید جریان کنزالین کندتر میشود. اگر ایمان داشته باشید که این نیز بگذرد و چشم انوار از موقعیت مورد نظر بدست آورید این امر شما را کمک میکند تا جریان انرژی بسوی مغز را فعال نگهدارید. شما با روشهای جدید فکر خواهید کرد و آنها را خلق خواهید نمود و با ابعاد بالاتر کار خواهید کرد. تجلی و دیگر قدرتهای ذهنی، عادی تلقی خواهند شد.

### ۳- بدن شهودی / شفقتی

#### سطح جسمانی

محل = کمر - کارکرد = انرژی برای عمل مطابق آنچه که اعتقاد دارید از نظر روحانی برایتان درست است.  
باز بودن بیش از حد = عدم آگاهی از اینکه جهت روحانی شما در کدام سو میتواند با جهت روحانی سایر افراد هماهنگ شود. وابستگی بیش از حد با بینش خود.  
مسدود بودن = بزدلی، مکنست هنگام پیروی از شناخت روحانی خود احساس بیم و هراس کند.

#### سطح عاطفی

محل = چهار مکان وسط کناره های بیرونی رانها و بیرون بازوها.  
کارکرد = ارتباط با افراد دیگر و احساس وجود جریان انرژی بین شما و دیگران.  
باز بودن بیش از حد = آگاهی عینی از انرژی افراد دیگر و عدم توازن این انرژی با انرژی خود.  
مسدود بودن = بسته بودن و جدا بودن از دیگران.

#### سطح ذهنی

محل = بخشی پائینی استخوان سینه - کارکرد = جریان درست و مناسب زندگی و روابط.  
باز بودن بیش از حد = پذیرندگی بیش از حد - مسدود بودن = وابستگی یا طرد شدن

#### سطح شهودی / شفقتی

محل = چاکرای قلب (سطح هفتم بدن عاطفی)  
کارکرد = مهمترین چاکرا برای بیان عشق به قید و شرط، محبت و تفاهم  
باز بودن بیش از حد = وابستگی بیش از حد به دیگران، نبود تعادل بین خود و دیگران.  
مسدود بودن = سخت دلی، عشق و محبت و تفاهم مشروط

#### سطح ارادی / روحی

محل = دو مکان، دو طرف فوقانی بین  
کارکرد = نیرو دهنده به چاکراها، فراهم کننده شهادت لازم برای ترکیب کردن انرژی زمینی و آسمانی برای استفاده عملی  
باز بودن بیش از حد = توجه بیش از حد به انرژیهای زمینی یا آسمانی، ناتوانی در بازگرداندن انرژیها بطرف خود.  
مسدود بودن = احساس ناکارآمدی در زمینه های فوق

#### سطح روحی

محل = دو مکان، مردمک چشمها - کارکرد = ابراز محیق حضور خویشتن خویش (گاهی پنجره روح نامیده میشود)  
باز بودن بیش از حد = نیاز بیش از حد به احساس تنهایی و با خود بودن  
مسدود بودن = ترس از تنهایی، خلوت کردن با خود، حقیقت در جمع چنین احساسی میتواند وجود داشته باشد.

#### سطح الهی

محل = پایه مغز، بعل النضام - کارکرد = شناخت الهی را فعال و آگاهی مثبت به خود در ارتباط با خدا و شناخت  
سطوح پائینتر و طرح الهی در زندگی شخصی راهها همگام میکند.  
باز بودن بیش از حد = توجه بیش از حد به سطوح بالایی و بی توجهی و غفلت از سطح انسانی.  
مسدود بودن = توجه بیش از حد به سطح انسانی و امور مادی زندگی.

## تلهیر کالبد شهودی :

جریان کندالین در این بدن ممکنست با برافزایش شفق منجر شود. شخص ممکنست گرفتار محبت با دیگران و جهان شود. انرژی منفی ممکنست شکل ترجمه با خویش پیدا کند. در هر حال برای آزاد کردن انرژی اضافی اجازه دهید وجودتان احساس سبکی و شناور بودن کند. دراز بکشید، خود را با نور آبی پر کنید و احساس شناور بودن را حدود سی دقیقه حفظ کنید. این کار با متعادل شدن انرژیها کمک میکند. بدانید که آنچه اتفاق می افتد گذرا است و یک مهم برای تطهیر و تصفیه شدن است. از عمق ناامیدی و افسردگی یا هر چیز دیگری که دارید آگاه باشید و در آن بپذیرید. سپس در صحنه فروریختن تا با زیستن نقره ای برسید و به آرامش و لذت دست یابید. رنج ما را بسط می دهد و با شناختن امکان می دهد تا با وجود مان راه یابند و به انرژی جدید اجازه می دهد تا در کالبد ما به جریان افتد. بدنتان را با رنگ شکلاتی پر کنید، با شهادت و ایمان با رنجها اجازه دهید گسترش یابند و باز شوند تا لذت و آرامش در وجودتان به جریان افتد. تمرین : در قسمت فوقانی ششهای خود بپذیرید، احساس گشادگی کنید. با این انرژی زیبا خود را ارتقا بخشید. این امر به فعال شدن مراکز روحانی کمک میکند و انرژی اضافی را در نواحی عاطفی و ذهنی کاهش می دهد و به شفای منیت و تلهیر کمک میکند.



## ۵- بدن ارادی / روحی (بدن اشکی)

### سطح جسمانی

محل = چهار مکان کف دستها و کف پاها کارکرد = احساس انرژی در ارتباط با جهان بیرون.  
باز بودن بیش از حد = ارتباط و معاشرت بیش از حد با دیگران، تمایل بیش از حد در ارتباط با دنیا،  
مسدود بودن = گردش خون ضعیف، احساس سرما در دست و پاها، برحذر داشتن خود از تعامل و ارتباط با جهان.

### سطح عاطفی

محل = چهار مکان، پشت زانوها و داخل آرنجها  
کارکرد = توانایی در برابر وجود در سطح عاطفی و آمادگی برای عمل در سطح احساسی.  
باز بودن بیش از حد = بیش از حد جسور مسدود بودن = ضعف زانوها، نبود حمایت عاطفی برای اراده یا تمایلات فرد

### سطح ذهنی

محل = چهار مکان زیر بازوها و ناحیه ای سی پاها در قسمت جلو با تنه وصل میشوند.  
کارکرد = پذیرش ذهنی اراده و تمایلات و فعال کردن نیروی تفکر.  
باز بودن بیش از حد = خودخواهی بیش از حد مسدود بودن = منفنگ نگری بخود، ترس و عقب نشینی در موقعیتهای خاص

### سطح شهودی / شفقتی

محل = یک اینچ یا بیشتر از محل اتصال دوران.  
کارکرد = انرژی برای درک و شناخت و استفاده از قدرت وجودی فراهم میسازد، چاکرای پیشین برای  
چاکرای سطح هفتم این بدن  
باز بودن بیش از حد = باید در استفاده از این چاکرا احتیاط شود، قدرت میتواند هنگامیکه بدن شما بحدی  
رشد نیافته است که با انرژیهای بالاتر کار کند، منفی باشد.  
مسدود بودن = تشدید انرژی جنسی منفی، احساس خشونت یا نیاز به فوران را افزایش میدهد.

### سطح ارادی / روحی

محل = چاکرای نیروی جنسی (دو چاکرای پایین ناف)  
کارکرد = منبع نیرو برای انرژی جسمانی، جنسی، شفا بخش و لذت از زندگی.  
باز بودن بیش از حد = انرژی جنسی بیش از حد یا کنترل نشده.  
مسدود بودن = ترس از قدرت و عدم لذت و انرژی جنسی منفی یا معکوس.

### سطح روحی

محل = چاکرای پشتی تاجی در بالای سر  
کارکرد = در رسیدن به حالات الهی کمک میکند، چاکرای «اراده من نیست بلکه اراده تو است» میباشد.  
باز بودن بیش از حد = ناتوانی در استفاده از انرژیهای بالاتر در زندگیهای روزمره،  
مسدود بودن = جلوی آگاهی از سطوح بالاتر روحانی و ذهنی را میگیرد.

### سطح الهی

محل = چهار پهناي انگشت بالای سر کوچکتر از چاکرای تاج  
کارکرد = انرژیهای انسانی و روحانی در اینجا با هم آمیخته میشوند و با انسان امکان میدهند تا به  
شیوه ای فعال و عملی وارد سطوح بالاتر شود.

باز بودن پیش از حد = تحلیل رفتن انرژی بدن جسمانی.  
مسدود بودن = احساس انزوا، تنهایی و عدم ارتباط با سطح روحی بوجود می آورد.

تطهیر بدن ارادی / روحی (آهنگ):

و تکنیک تطهیر با سطح ارادی / روحی ارتقاء می یابد احساس قدرتمندی پیدا میکنید و برای هر مسئله ای پاسخی دارید و قدرت شخصیتان اعم از مالی و اجتماعی و زیبایی و غیره نامحدود میشود. چنین احساسی چیزی بیشتر از یک خودخواهی افراطی نیست. حفظ جریان یک دست انرژی در سطح ارادی / روحی فوق العاده مشکل است. افرادی که دارای شخصیهتهای نسبتاً ضعیف یا ساکت هستند ممکنست که احساس کنند بوسیله تطهیر کندالین بطور کلی تغییر کرده اند و گاهی دیگر تقریباً دیو صفتانها است. همه چیز از طریق کندالینی تثاب میگردد. زیاد ذرا آنچه که در حال روی دادن است گرفتار نشوید. وابستگی به کنشها و ایده ها و افکار و غرور و احساسات ممکنست سبب گرفتگیها و ضایع شدن فراوان انرژی شود بگذارید نشانها و باسنها مثل شوند و بدنتان بطور کلی مثل باشد. با این فکر کنید که در چند روز گذشته چند بار از اراده برای انجام امور استفاده کرده اید. آیا این استفاده ها عاقلانه بوده اند؟ پس شکر گزار باشید. سعی کنید با خواست خداوند در باره خود پی ببرید. با خواست خدا نجنگید، بلکه خواست شخصی خود را با خواست خدا وند هماهنگ کنید. این کالبد مسکن سکس و جای است که گرایشهای مذکور مونت یا مثبت و منفی ما از هم جدا میشوند. آنها در بدن سطح روحی با هم میپیوندند. در انرژی نهایی، این گرایشها متوازن و بسیار قابل استفاده هستند. این توازن ما را با تکامل و اراده الهی هماهنگ خواهد کرد. قدرتهای بزرگ، لذت و سعادت جزئی از طبیعت ما خواهند شد.

## ۶- بدن رومی

### سطح جسمانی

محل = چهارمکان بین پاها و مچ دست در قسمت انگشت شست.  
کارکرد = توانایی به مرحله عمل در آوردن (من هستم) را تقویت میکند، به روح امکان ابراز وجود در سطح جسمانی میدهد.  
باز بودن بیش از حد = توجه بیش از حد به خود، تمایل به نادیده گرفتن دیگران.  
مسدود بودن = احساس ضعف در دستها و پاها، واپس نشستن معمولی از زندگی.

### سطح عاطفی

محل = چهارمکان قسمت داخلی پاها درست بالاتر از زانوها و بخش داخلی بازوها درست بالای آرنجها.  
کارکرد = جریان من هستم از طریق احساسات  
باز بودن بیش از حد = توجه بیش از حد به اولویتهای احساسات خود.  
مسدود بودن = ضعف زانوها و کشیده شدن دستها بطرف بدن و عقب نشینی از احساسات عمیقتر و شخصیت.

### سطح ذهنی

محل = چهارمکان مفاصلهای داخلی پاها با ناحیه لگن و گودیهای زیر بازوها درست بدن.  
کارکرد = بیان من هستم از طریق استدلالات ذهنی، یک نگرش منطقی و سالم نسبت به خود بعنوان یک فرد و یک واحد وجودی.  
باز بودن بیش از حد = توجه بیش از حد به ابراز وجود بعنوان یک شخص یا واحد وجودی.  
مسدود بودن = برنشستن، احساس بی مفهوم بودن در زندگی، عدم ارتباط بین بخشهای ذهنی و روحی.

### سطح شهودی / شفقتی

محل = دو مکان تخمها و بیضاها  
کارکرد = رشد و توسعه گرایش جنسی نسبت به خود و جهان، هویتهای جنسیتی سالم.  
باز بودن بیش از حد = این احساس که انسان هدیه ای از جانب خدا برای جنس مخالف است.  
مسدود بودن = ترس از جنسیت و نداشتن بعد روحانی، ترس از نامناسب بودن در روابط زن و مرد.

### سطح ارادی / روحی

محل = دو مکان حدود یک اینچ بالای دندانهای پائین در طرفین سینه.  
کارکرد = توانایی در بهره گیری از زندگی، بهره جویی از حق حیات در زندگی.  
باز بودن بیش از حد = نیاز بیش از حد به فضا مسدود بودن = ناراحتیهای رویی و تنفسی، حس غرق شدن در انرژی افراد.

### سطح روحی

محل = دو مکان در طرفین گردن روی منحنی حد فاصل بدن و گردن.  
کارکرد = ابراز عزت نفس، احساس ارزشمند بودن، حفظ سرافرازی.  
باز بودن بیش از حد = غرور مسدود بودن = تنش در ناحیه گردن و تمایل به کشیدن گردن و سر به داخل بدن.

سطح الهی

محل = دو مکان مستقیماً بالای گوشها

کارکرد = تجربه خود در وحدت وجودی با خدا، تجربه خود بعنوان یک وجود محو شده در خدا، پیشبرد زندگی از طریق آگاهی از وجودان الهی.

باز بودن بیش از حد = ترک زندگی عادی دنیا و پرداختن به ماورا.

مسدود بودن = سردرد و درک و بصیرت ضعیف نسبت به انرژیهای مقدر انسان، احساس باختن.

تطهیر بدن روحی (منادیک):

این بدن وحدتگراییها را بیان میکند و با روح امکان میدهد تا خود را در بدن جسمانی عرضه کند. گاهی اوقات از طریق کنش کنذالین انسان میتواند با روح تماس بگیرد و احساس خلوص و تقدس نیابد. گاهی هم هیچ درکی از روح ندارد. احساسات بین وحدت و انزوای کامل در نوسان میباشند. تطهیر این بدن بسیار دشوار است زیرا با جوهره یا کل بودن ما ارتباط دارد. با ضعیف بودن جریان انرژی در کالبد روحی ممکن است احساس کنید که حق زیستن ندارید. این به نوبه خود همکنش با احساس معذور بودن برای هر اتفاقی که برای دیگران میافتد منجر گردد. گویی شما پنحوی سبب مشکلات دیگران شده اید. این کالبد همچنین سطح حرفه و خدمات حقیقی است. آنجا که بخش اعظم هدف حیات تعیین میشود. (بعد از با حساب آوردن نیروهای کارمایی فعال در تمام سطوح). این سطح از ترکیب انرژی کارمایی حاصل از زندگیهای گذشته تشکیل شده است. تهرین عمومی: وارد حالت مدیتیشن یا مراقبه شوید و خود روحی خود را بصورت سلولی در پیکر خداوند تصور کنید. مدیتیشن را با مدت ۵ تا ۱۰ دقیقه هماهنگ با هر پیمایی که ممکنست دریافت کنید ادامه دهید. وقتیکه این کالبد تکامل می یابد حس من بودن یا آگاهی روحی با حدی نیرومند میگردد که من میتواند با وجود برتر آ میخند و با هم یکی شود و هر دو حالت من و تو را تجربه کند. شما آرامش و درک درونی را که هدف وجود شماست انتشار میدهید. جوهره روح از طریق چشمانتان به درخشش درمی آید.



## ۷- بدن الهی

### سطح جسمانی

محل = بیست مکان، نوک انگشتان دستها و پاها.

سازکرد = انرژیهای شفا بخش و ادراک انرژیهای پیرامون خود.

باز بودن بیش از حد = انرژی را هز می دهد.

مسدود بودن = ممکنست به خشم و تحایل به شتاب در زندگی منجر شود. میتوان بر سلامت دست و پا تأثیر منفی بگذارد.

### سطح عاطفی

محل = چاکرای عبادی قسمت وسط پشت سر.

سازکرد = ابراز بندگی نسبت به خداوند.

باز بودن بیش از حد = ممکنست بیش از حد شیفته ضمیر و باطن خود شود، تعصب یا افراط گری دین

بعیثه اگر تاج این چاکرا هم مسدود شده باشد.

مسدود بودن = فقدان احساس، علاقه یا حتی پذیرش یک سطح یا وجود الهی یا ارتباط انسان با این وجود

گاهی بی تفاوتی نسبت به دیگران

### سطح ذهنی

محل = دو مکان، درست داخل استخوانهای لگی بالاتر از جایی که پاها به بدن وصل میشوند

سازکرد = ابراز سپاس و پایان، انسان را در معرض برکات زندگی قرار میدهد.

باز بودن بیش از حد = رفتار آزمودانه مسدود بودن = محدودیت در سپاسگذاری و مانع از جریان برکات.

### سطح شهودی/شفقتی

محل = شبکه خورشیدی، به کوز الوعده مربوط میشود

سازکرد = انرژیهای روحانی برای توزیع در سراسر بدن به این ناحیه وارد میشوند. سیستم بدن را برای

ارتعاشات بالاتر و شیرینی زندگی بیدار و پالوده میکند. انرژیهای فراوان از طریق این چاکرا برای ظاهر

شدن شرایط در زندگی انسان به جریان می افتند. جایگاه شخص را در جهان معین میکند.

باز بودن بیش از حد = تلاش بیش از حد برای کام گرفتن از زندگی، توجه افراطی و شدید به جایگاه خود در زندگی.

مسدود بودن = بسته بودن نسبت به انرژیهای روحانی، شیرینی و لذت زندگی، ترس از تغییر و عدم

آماجی برای رویدادهای بزرگتر در زندگی.

### سطح ارادی/روحی

محل = در پایه حلق سازکرد = گرایش به نیکوکاری در جهان

باز بودن بیش از حد = تعهد بیش از حد نسبت به دیگران به قیمت نادیده گرفتن انرژی سر نوشت خود و

احساس نجات دادن جهان.

مسدود بودن = ترس از بخشیدن یا خدمت به دیگران، احساس شهادت طلبی.

### سطح رومی

محل = با فاصله یک اینچ از دو طرف ناف (بسته به اندازه بدن)  
کارکرد = یکسان سازی انرژیهای بدن با انرژیهای دیگران و انرژی الهی.  
باز بودن بیش از حد = تلاشی بیش از حد برای پکی شدن.  
مسدود بودن = میتواند برای خود و دیگران مخرّب و ویرانگر باشد.

### سطح الهی

محل = چاکرای تاجی بخشی وسط قسمت فوقانی سر.  
کارکرد = ارتباط با سطوح روحانی بالاتر، تعادل در زندگی روزمره.  
باز بودن بیش از حد = عدم توانایی در کارکرد زندگی روزمره، احساس ضعف و فرسودگی.  
مسدود بودن = منفی گرایی و عدم اعتماد بنفس و عدم ارتباط با سطوح الهی و عدم تعادل و سردرگمی.

### تطهیر بدن الهی:

در سطح الهی درک انسان از خدا و جهان هستی با شدت بیشتری نسبت به سطح دیگر تغییر میکند.  
اغلب افراد وارد شب تاریک روح میشوند و به خداوند وجود، هدف یا هر چیز دیگری در زندگی شک میکنند.  
این کالبد مشقت بارترین رنجها و لذتبخشترین تجربههای تطهیر و تصفیه را دریافت میکند. کسانی  
سه داران ایمان قوی و یک وجود الهی هستند در این سطح وضعیت بهتری دارند. حتی در زمانهای  
ناآرامی هم بقدری ایمان دارند که آنها را نگهدارد. رویارویی با اهریمنان ضروری است. گاهی بطور  
کلی مخالف بود روحانی زندگی هستید. شخص در بحبوحه تطهیر از این بعد اهریمنی آگاه میشود که  
ممکنست شامل احساسات عمیق نفرت و انحراف جنسی و سادیسم و یا دیگر گرایشهای غیر قابل قبول  
باشد. هنگام رویارویی با اهریمنها دعا کنید. خود را با یک نور قفای پر کنید و صمیمیت و آرام تنفس کنید.  
بگذارید سلولهایتان تطهیر شده و تغییر یابند و سرشار از انرژی روحانی گردند. فقط از طریق روپرو شدن  
با اهریمنها و جذب انرژی آنهاست که میتوانیم آنها را از بین ببریم. پرورش دادن کالبد الهی شما  
را قادر میسازد که خواست خدا را در مورد خود بدانید و با جهان مادی یا آگاهی الهی در ارتباط باشید.  
ما میتوانیم از انرژی جهان مادی در زندگی روزمره خود استفاده کنیم. این امر را برای زیستن  
در ارتباط همیشگی با خدا آماده میکند. تمرین: برهه ناخوش بدن خود متمرکز کنید. تصور کنید که ناحیه یک  
خلاله است و خالی از همه چیز جز انرژی روحانی میباشد. سپس تصور کنید که تمام بدن یک خاله است و  
آماده است تا با انرژیهای روحانی پر شود. بسیاری از اشخاص بعدی از خالی بودن میترسند که آنها را  
با هر چیزی پر میکنند و این وسیله زندگی را پیچیده تر و دشوار میکنند.